

بهای آزادی



سایه ششماه برای کارگران و کشاورزان و کارمندان و جوانان

بهای آزادی

جای اداره:

خیابان لاله زار - پاساژ بهار

روزهای پنجشنبه منتشر میشود

این روزنامه عضو جبهه آزادی است

آزاد

روزنامه آیتاز و دیرسول

ج. پشوری

رئیس مجلس چه جور آدمی است؟

پشت مصالحین جلسه هائی چه کار میکنند؟

این از بکارتد... این از بکارتد... این از بکارتد...

دعوی ریاست در هیئت آزادیوار... گذشته جاسی به پایه روزنامه...

بکی از ساندکن... بکی از ساندکن... بکی از ساندکن...

در این دوره دعوی ریاست... لایحه روزنامه دعوی روزنامه...

از روزنامه های قدیم... چه جور سلطنت میکردند... از روزنامه سفر گیلان که بدست...

انتقاد هنری... بهمنشام نمایش سیراز کمال الدین... یک پرده از زندگانی اجتماعی...

مجلس شورای اسلامی... از آن چه ذکر شد... بیاد رفتن سیاسی در کشور...

تاریخ و فرهنگ... از آن تاریخ و فرهنگ... از آن تاریخ و فرهنگ...

از آن جمله است... انقباض و انقباض... از آن جمله است...

تاریخ و فرهنگ... از آن تاریخ و فرهنگ... از آن تاریخ و فرهنگ...

فرشته رحمت... در این رحمت... در این رحمت...

فرزندان ستاره صبح... از آن فرزند... از آن فرزند...





رئیس مجلس چه جور آدمی است

بقیه از جلسه اول
رئیس مجلس هم نطق شمارا مستحب است
علیه خود حساب ندون حق هم دلات
زیرا شما در تقاضای آزادی بودید
و در این فراگیزین فراموش کردید که
برای اقبال مقام ریاست دوله کی می
گردید.

شاید گفته شمس مطلع صحیح باشد
بولی من کسی بودم بیست و نه ساله
بیشترین بی بی وجام امر میکرد آنچه
که سفر کشیدم داده بودم بگویم
چونکه منظوری خصمی و نافرود متعنی
نداشتم اصلاح نسبت بشخص رئیس مجلس
قدیس من کرده ام فریاد آن روز
پیشن کرده ام زیرا که نیمه سالی
است راود میبخواند از حرف سیاسی
من نتیجه نامحالی گیرند و هلنا بدست
نزد خود فوراً سرزنش مرا بجا بدارند
آزوده در علیه ریاست مجلس مصروف
میکشند.

بسیار متذلل شده نمیدم که کار
خوابش از آن است که دو خانج اسناس
میکردم اگر چه خود من بخالت با
انتهای خود منورا از آنها از آن سردام
اینها نشه های شرطانی دیگری هم
کار بوده است. خود من بیانات اشخاص
مینی و اول در این کار بیست و نه روز
همه بهتر میداد و بپوشش شایسته
دربك مسط آرام و بیشتر با اعداد اشخاص
شکفته از دروائی موماد شرکت و دو
مجلسی کردم انکار کرده ام. این املا از
موضوع بست این روزها خارج است.
نقد ناه خود در روزگار زهر ریاست
مجلس باقی مانده است.
دو اوقات بود بر روز زاندر نه شود
هینا مثل خود انتخبات هر کسی از جای
خود زود تر بر میخیزد خود را نماید
میکند حتی اشخاص نیابکی که چهاروز
تواناستند خواروبار یک شهر را نمایند
یکند بکن ریاست افتاده اند
بناخالص میکنند میبکنند با اکثریت
و اوئی ریاست استیفاء در واقع می
روند و کسی بکنند رئیس مجلس نه
تتها در پارلمان بکنند دونوی جامعه هم
باید نواز و اختیار داشته باشد
هر صراحتی دوره بکنند ناگفته که
آن دولت ریاست و نیابتیگی را زود
پاوی دیکنوت انگریزای میگرد و
نیابندگان فرمایشی نتوانستند با رئیس
غریبش که ازاده شده روی کار آردود
همه مخالفت کنند و این امروز ازاده
مرد اهمیت دارد آقای طباطبائی برای
این توانست مجلس را اداره بکنند که
افتبار و نفوذ خود را در روزهای اخیر
انتخبات تهران املا از داد دست میدهد
مردم همه خیال میکنند که ایشان
در موضوع صنوبر انتخبات لواسانات
مستدافته اند و چون شرح پیش برائی
و نیز خود را بدینا از آن از ایشان می
بینند. وانگهی مردم چشم و گوششان
با تر است. می بینند که اطرابان آقای
طباطبائی مردمان فریضه هستند با آبرو
و حیثیت ایشان بازی میکنند باقی ایشان
از کارهای رفت و بکنند میبکشانند.
اگر چه مردم تهران آقای طباطبائی
را از جهت هدای آدمی میباید این
نظرمیروزم: باقی است ولی میباید با
بلک میباید داد. جب آقای طباطبائی
چاه طلعی است. می بینند که اطرابان آقای
طباطبائی ایشان از این عیب بزرگ
عدم اکثر استناد و کرده ایشان را
عدم می میکنند.
حقش بدون و انتقاد دو آخر کار بر
خلاف میدان و انتقاد بر خلاف مجلس
معلم قانون اساسی با استیلازمه میخورد

بقیه از جلسه اول

آبادی موافقت بکنند معینین بهم زدن
صنوبر لواسانات بکشد سیاسی بسیار
مترقی بود پس مرتان موضوع دکتر
میلیوسا میباید از آن انبار مانده گان
تکریر و در سید خرم که کابینه سامه و
آنروز پیش آمده هم به اینها با سستی و
شفق و ناتوالی جسمانی و گرفتاریهای
دیگر دست بدمت داده بپایه و با ست
آقا را متزائل کردند.

و نکته است کثرت ادو مطالبان
و نکتته آزاده بود و نکتته ایشان دو
مقام ریاست باقی بمانند ولی آن خود
منظری را اگر بدست نخواستند آردود
بلکه روز بروز وضعیتشان از این سوخت
غریبان خواهد شد.

نیب آقای مسمد صادق طباطبائی
باید از دور ناظر اعمال دیگران باشند
در عمل اشخاص چو وی و نوال با یکدیگر
غریبانه.

آقای طباطبائی ممکن بود در
همین حال شرف جایزها آردود بکنند
چون صورتیکه دیگران میان میدادند
که کار بکنند.

بیشتری بزرگ اشخاص درست گاهی
باید با این شکل خضرتک ظاهر خودشان
آخا بیدارکنان را شهنشاده خود خود
هم وقت توانایی کار کردن را داشته
بودن بر این صورتیکه کثرت کار مجلس
مانندت که هر دو هم مربوط است میباید
میشد.

دوات را اگر سببش میباید بکنیم
کناس مترو و رئیس مجلس بکنیم
با شوق آن کار خواهد بود.

آقای طباطبائی با تمام محسنت
دیگر خود شوق خوبی بودند. متوور
کلیتیکردم که تمام فاج شده بود کتدائی
بیرون میسر است بیفهم: بزرگواران
و شطر انتخبات سالیان که ملت باشد
مباروز و صمیمی داران. این مردم گسرتی
و خضرات اعداها.

درنگ و خوار بزمه هم چاره خودی
فائل شده در گفتن گری که در مجلس
دادود. فراموش شود که در این کار
خوبین خور کارگزاران همه کذبند
رفته است. آلمانها برای این مورد
و گفتن متنفر صومنی گفتند شده که از
فقرات زینت جنگ تیار خضرد. با
دشمنان خود بر سر نهان و تار می نمودند
از این جهت اگر روسها خواهند انتقام
بکشند آلمانها پس گفتن اعتراض نتوانند
داده باشد.

مانندت کی مجلسی وفایات و اکثریت
هم با زور گوئی و گردن کلفتی پیشانی
روند. اقلیت چند دارد از نمایزات
اسیادیکه استناده بکنند و افراد انبانی
دورورت بکنند منگین است سیر است
مجلس هم بر سه آلت منورن الملک چو روس
منفرد میرواست رئیس مجلس باشد ولی
سبک اسکندری یا گن آدی که دارای
مجلس مردم هستند حتی بخش گروهی
نیوانند بر سه اشرا میگویند من کش
ماژوروتی مجلس و نمایندگان
بپتر از این مانند گن آدی و این خصوص
رفتار میکنند بیشتر با نکار عمومی اهتیت
بدهند.

تجولات سیاسی در ایران

رومائی بجای رسید که در ژوئن ۱۹۱۴
در حله آلمانها بر علیه اتحاد بیامیز
شوروی شرکت نمودوز نرال (تونسکو)
که فلا باکیه استنایان خوش نش
توفیق باشد. قریباً خود را دوست
مرزمای شوروی خود داناد.

میکنند جنگ آلمان و
بضف لیاود پیشروی سریع اوتش سرخ
موجبات شکست لیاوا و پانچیه رومانی
ها را فراهم آورد موقع آن رسید که
بگذرد و چندی در دولت باستان
نست از بانگنک پدیده آید.

برخی از سیاستمداران این کشور
درصدی در آمدند در ترکیه با مقامات
درباره ارتداد حاصل کنند این خود شک
داستان جدا جدا است.

ظاهر این درونه اقدامات بشوق
چلوگری برای تکرار تحولاتی بود که در
یوگوسلاوی پیش آمده و گفتن را که در
معاهده لوواریون است از بانگنک
می نمود ولی هیئتهاک برای اوتش سرخ
بشاک رومانی رسید. دستگاره بوشالی
گسرت از ازم بیاید و قووزور و ازمه
از این سویتا: رومانی شکست خورد
اضراف تکرار شده و ارتش کوشش
دو جنگ بر علیه آلمان شرکت کرد.

در حال حاضر حکومت که در رومانی
گسرت از ازم بیاید و قووزور و ازمه
از این سویتا: رومانی شکست خورد
اضراف تکرار شده و ارتش کوشش
دو جنگ بر علیه آلمان شرکت کرد.

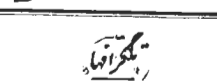
این بر سر تکالیبی بودی ساز انبانی سیاسی
و اقتصادی خود در ت. به صورت کمال
تری میخوردند و قدرت دولتمداری
هم در آید. به پنهانی خواهد رسید که
تجزیلات سیاسی بود یگان بطور کلی و
منتخبان طرف آن نهادها پیش میروند.

فائل شده در گفتن گری که در مجلس
دادود. فراموش شود که در این کار
خوبین خور کارگزاران همه کذبند
رفته است. آلمانها برای این مورد
و گفتن متنفر صومنی گفتند شده که از
فقرات زینت جنگ تیار خضرد. با
دشمنان خود بر سر نهان و تار می نمودند
از این جهت اگر روسها خواهند انتقام
بکشند آلمانها پس گفتن اعتراض نتوانند
داده باشد.

مانندت کی مجلسی وفایات و اکثریت
هم با زور گوئی و گردن کلفتی پیشانی
روند. اقلیت چند دارد از نمایزات
اسیادیکه استناده بکنند و افراد انبانی
دورورت بکنند منگین است سیر است
مجلس هم بر سه آلت منورن الملک چو روس
منفرد میرواست رئیس مجلس باشد ولی
سبک اسکندری یا گن آدی که دارای
مجلس مردم هستند حتی بخش گروهی
نیوانند بر سه اشرا میگویند من کش
ماژوروتی مجلس و نمایندگان
بپتر از این مانند گن آدی و این خصوص
رفتار میکنند بیشتر با نکار عمومی اهتیت
بدهند.

خواروت ملت در وقتان تا امروز که
شوب زیوه است چنانچه دیگر در باره
انتخبات در انتقام آلمان است.

آثیر



جناب آقای نخستوزیر و دو نشت
مجلس شورای ملی و دو نشت وزارت
دولتی و دو نشت دکترمیلیوسا و دو نشت
روزنامه انام روز نوتندوز نامه آذربایجان
در این موقع که آقای مجیدزاده بیکنار
وزارت دولتی و مجمع آزادی هم چه نام
دو خواست و اسرار خود بطهران منتقل
میشود بنام قسودرمانی و حق نشانی
شعادت بس: لایش و فراموش نشانی
اشان بخصوصا و من استبرنا که در امر
خواروبار و جمع آزادی همه در مرغی
انارائی ایران درونه تقاض آذربایجان بد
آذربایجان درونه تقاض آذربایجان بد

آذربایجان درونه تقاض آذربایجان بد
آذربایجان درونه تقاض آذربایجان بد
آذربایجان درونه تقاض آذربایجان بد
آذربایجان درونه تقاض آذربایجان بد
آذربایجان درونه تقاض آذربایجان بد

آذربایجان درونه تقاض آذربایجان بد
آذربایجان درونه تقاض آذربایجان بد
آذربایجان درونه تقاض آذربایجان بد
آذربایجان درونه تقاض آذربایجان بد
آذربایجان درونه تقاض آذربایجان بد

آذربایجان درونه تقاض آذربایجان بد
آذربایجان درونه تقاض آذربایجان بد
آذربایجان درونه تقاض آذربایجان بد
آذربایجان درونه تقاض آذربایجان بد
آذربایجان درونه تقاض آذربایجان بد

آذربایجان درونه تقاض آذربایجان بد
آذربایجان درونه تقاض آذربایجان بد
آذربایجان درونه تقاض آذربایجان بد
آذربایجان درونه تقاض آذربایجان بد
آذربایجان درونه تقاض آذربایجان بد

آذربایجان درونه تقاض آذربایجان بد
آذربایجان درونه تقاض آذربایجان بد
آذربایجان درونه تقاض آذربایجان بد
آذربایجان درونه تقاض آذربایجان بد
آذربایجان درونه تقاض آذربایجان بد

آذربایجان درونه تقاض آذربایجان بد
آذربایجان درونه تقاض آذربایجان بد
آذربایجان درونه تقاض آذربایجان بد
آذربایجان درونه تقاض آذربایجان بد
آذربایجان درونه تقاض آذربایجان بد

آذربایجان درونه تقاض آذربایجان بد
آذربایجان درونه تقاض آذربایجان بد
آذربایجان درونه تقاض آذربایجان بد
آذربایجان درونه تقاض آذربایجان بد
آذربایجان درونه تقاض آذربایجان بد

آذربایجان درونه تقاض آذربایجان بد
آذربایجان درونه تقاض آذربایجان بد
آذربایجان درونه تقاض آذربایجان بد
آذربایجان درونه تقاض آذربایجان بد
آذربایجان درونه تقاض آذربایجان بد

موزیکها

داستان موزیکها اثر یوسف افشاری
آقای کریم کشاورز از چاپ خراخ
اداره آذربایجان جلدی در باره
میرسد. ۵۰۲